در صورت ایجاد بن‌بست شهردار می‌شوم

گزینه‌های اصلح شهرداری از دیدگاه مرعشی

این روزها پس از پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات شورای شهر تهران نام او به عنوان شهردار مطرح است هر چند که مرعشی بارها اعلام کرده است علاقه‌ای به حضور در ساختمان خیابان بهشت ندارد اما با این وجود گفته می‌شود حضور او از سایر نامزدها برای تصدی این صندلی جدی‌تر است. درباره احتمال حضور او در شهرداری تهران، سوابق اجرایی‌اش پس از انقلاب، مشکلات پیش روی شهرداری تهران، گزینه‌های احتمالی اصلاح طلبان برای صندلی بهشت، کابینه احتمالی دولت دوازدهم ،تشکیل دولت در سایه و.... به گفتگو نشستیم:

■ همواره نام شما برای تصدی پست‌های مهم و تاثیر گذار مطرح بوده است، الان هم زمزمه‌هایی از شهردار شدن شما به گوش می‌رسد. در چه شرایطی یک سمت را می‌پذیرید؟

هیچ گاه برای پذیرش مسئولیتی پیش قدم نشدم و همیشه تسلیم جریانات شده‌ام و هر گاه پستی هم به من ابلاغ شد با مشورت اعضا و اجماع بوده است. از خط مشی که تاکنون داشته‌ام راضی هستم و ادامه خواهم داد. هیچ گاه دلم نمی‌خواست مسئولیتی را بر عهده بگیرد که از پس آن بر نیاید برای همین بود هشت سال دوران استانداری من هر سال یک استعفا می‌دادم تا اگر فرد شایسته دیگری بود انتخاب شود. نخستین مسولیت اجتماعی و اجرایی من به اردیبهشت ۵۸ باز می‌گردد همان سالی که امام فرمان تشکیل جهاد دانشگاهی را دادند. آن زمان ما یک گروه ۷۰ نفری داشتیم که من با ۶۸ رأی مسئولیت گروه را بر عهده گرفتم و به عنوان رابط تهران و کرمان برای تشکیل جهاد سازندگی انتخاب شدم. داستان تشکیل گروه هم به این صورت بود، سال ۵۵ وارد دانشگاه شدم و یک سال بعد یعنی سال ۵۶ یک گروه با دوستان تشکیل دادیم برای رسیدگی به برخی امور که هنوز هم اعضای آن مانند آقایان جهانگیری، مصطفوی، دکتر امیری نماینده فعلی زرند حضور دارند. سال ۵۷ که انقلاب شد من در کار گروه روستایی بودم. در آن سال‌ها بچه‌های دانشگاه تهران مانند آقایان آخوندی و افشار بیشتر از دیگران در جهاد دانشگاهی فعال بودند. جهاد دانشگاهی کرمان با پیگیری‌هایی که انجام دادم تشکیل شد. به خاطر دارم بعد از تشکیل آن دوستان گفتند که خودت حضور نخواهی داشت؟ گفتم خیر؛ می‌خواهم در شهرستان‌ها خدمت کنم. مسئولیت بعدی من شورای جهاد استان بود، بر عهده گرفتن آن هم اینطور رقم خورد؛ شورای جهاد استان دست جنبش مجاهدین افتاده بود، برای اینکه بتوانم آن را باز پس بگیرم به حضور آقای ناطق نوری رفتم و ایشان را نسبت به این موضوع حساس کردم. با شهید شوریه که مسئول کمیته استان‌ها بود و نماینده آقای ناطق نوری یک شورا تشکیل شد من در این شورا عضو نبودم اما چون یکی از افراد انصراف داد آقای ناطق نوری گفتند که خودتان حضور داشته باشید و من مسئول جهاد استان شدم. دو سال بعد از این ماجرا قرار شد آقای میرزاده استاندار کرمان شود بر خلاف بقیه دوستان من خیلی موافق حضور ایشان نبودم، اما او من را به عنوان معاون سیاسی انتخاب کرد. به آقای میرزاده گفتم قبل از شما کرمان چهار استاندار داشته است که متوسط حضور هر کدام ۹ ماه بوده ،به خاطر دارم فروردین ماه بود به او گفتم شما باید بهمن ماه این سمت را تحویل دهید این چند ماه ارزشی ندارد که مراعات حال دیگران را کنیم، این گونه رفتارها را کنار بگذاریم و پای کار بایستیم حتی اگر بحث و جدل شود. آقای میرزاده هم که سرش برای دعوا درد می‌کرد این پیشنهاد مرا پذیرفت.

■ با توجه به اختلاف سلیقه ای که گفتید دوران کاری با آقای میرزاده چگونه سپری شد؟

دوران خوبی برای استان رقم خورد، آقای میرزاده چهار سال و هشت ماه استاندار کرمان بود، هر زمان که می‌خواستند استاندار جدید انتخاب و معرفی کنند موفق نمی‌شدند؛ زیرا تعداد پروژه‌هایی که کنگ احداث آنان را زده بودیم به قدری زیاد بودند که هیچ کس غیر از خودمان نمی‌توانست آن را به پایان برساند. باید این را هم اضافه کنم در این مدت آقای میرزاده زیر فشار ائمه جمعه، روحانیون و مقامات قضایی قرار داشت، به او می‌گفتند مرعشی را کنار بگذار ما با تو مشکلی نداریم، دعوا بر سر من بود.

■ چه زمانی استاندار کرمان شدید؟ فشارهای که گفتید باعث نشد که این سمت را نپذیرید؟

هنگامی که آقای میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر شد من به عنوان استاندار کرمان انتخاب شدم، حالا تصور کنید چه آتشی در کرمان به پا شد، یادم نمی‌رود به هنگام تودیع و معارفه هیچ یک از روحانیان شهر حاضر نشدند در این مراسم شرکت کنند و من با چه زحمتی از شهرستان‌ها و بخش‌های اطراف روحانیون را دعوت کردم تا حضور داشته باشند. هشت سال استاندار کرمان بودم، هنگامی که این سمت را بر عهده گرفتم ۲۷ سال داشتم و وقتی که آن را تحویل دادم به مرز سی و پنج سالگی رسیده بودم. هنگامی که کرمان را به قصد تهران می‌خواستم ترک کنم تا در دفتر آیت‌الله هاشمی به عنوان رئیس دفترایشان مشغول به کار شوم در فرودگاه مردم مانع بازگشت شدند این ماجرا شش روز طول کشید و من دست آخر به دلیل لطف زیاد مردم، مخفیانه از کرمان خارج شدم.

■ شما به تهران آمدید و نماینده مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی شدید کدام کار سخت تر بود، نمایندگی یا استانداری؟

هیچ کدام، سخت‌ترین دوران کاری را در تهران تجربه کردم، مخصوصا در دو سال و نیمی که رئیس دفتر آیت‌الله هاشمی بودم نه این که کار کردن با آقای هاشمی سخت باشد، نه، از این جهت سخت بود که من یک آدم میدانی بودم. با مردم بودن را دوست داشتم هیچ خانه‌ای در کرمان وجود نداشت که یادداشتی برای من نداده باشد از اختلافات زن و شوهری گرفته تا مسائل بزرگ‌تر، در طول هفته شاید ۵۰۰ نفر به ملاقات حضوری من می‌آمدند حال تصور کنید با چنین روحیه‌ای کار دفتری انجام دهم.

■ چه زمانی وارد مجلس شدید؟

هنگامی که کارگزاران تشکیل شد دوستان علاقه‌مند بودند که من نماینده کرمان باشم. روز آخر ثبت‌نام بود ساعت ۱۰ صبح آیت‌الله هاشمی با من تماس گرفت و گفتند که به منزلشان بروم، به خدمت ایشان رسیدم، گفتند که برای نمایندگی مجلس اقدام کنید، خندیدم و گفتم آقا شما از دست من خسته شده‌اید و دوست ندارید دیگر در دفترتان باشم؟ گفتند نه، کارگزاران در مجلس نیاز به کسی دارد که به خوبی از پس امور بر بیاید. ساعت ۲ بعدازظهر به وزارت کشور رفتم در آخرین لحظات ثبت نام کردم. خوشبختانه اصلا نیاز نبود که من تبلیغاتی را انجام دهم و در مبارزه‌های تبلیغاتی هیچ تلاشی نکردم و حتی در سخنرانی‌هایم نیز گفتم که دوستان از من بهتر هستند و فقط مهم برگزاری بدون حاشیه و با امنیت انتخابات است. هنگام تبلیغات از من می‌پرسیدند چه قولی می‌دهی، می‌گفتم من تا این لحظه کاری انجام ندادم و قولی هم نمی‌دهم؛ هر اتفاقی که افتاده نظام و دولت انجام داده‌اند اما اگر کاری از دستم بر بیاید برای شما انجام می‌دهم. آن سال من با ۱۵۲ هزار رای وارد مجلس شدم.

■ شرایط کار در مجلس پنجم چگونه بود؟

علما و بزرگان شهر در حمایت از من و آقای دکتر رضوی متحد ما بودند برای حضور در مجلس پنجم بیانیه دادند، در مجلس ششم هم بیانیه‌ای صادر نکردند اما باز هم حمایت لازم را انجام دادند. مجلس پنجم رئیس کمیسیون نیرو، پست و تلگراف بودم و شرطم این بود که اگر هر کس دیگری برای ریاست کاندید شود من نامزد نمی‌شوم اما به آن فرد کمک می‌کنم. مجلس ششم دوباره نماینده شدم اما این بار به دلیل موجی که دوستان دوم خرداد علیه آقای هاشمی به راه انداخته بودند با کاهش آرا روبه‌رو شدم و با ۱۰۸ هزار رأی به بهارستان رفتم. ابتدای مجلس ششم فقط یک مصاحبه کردم و گفتم "چراغ گوشه نشینی مدام می‌سوزد" و دیگر مصاحبه‌ای در آن مدت انجام ندادم. مطلقاً در این مجلس من فعال سیاسی نبودم، مسئولیتی نپذیرفتم و هر چقدر که اصرار کردند جزو هیات رئیسه باشم گفتم نه، دلیلش آن بود که جامعه، مشارکتی‌ها را که رادیکال تر از ما بودند بیشتر می‌پسندید. خب حالا تصور کنید اگر می‌خواستم رقابت کنم باید تندتر از آن‌ها شعار می‌دادم تا حرفم شنیده شود که منطق نداشت و اگر می‌خواستم دست دوم تلقی شوم در شان گروهمان نبود، همین شد که یک دوره سکوت کردم. هیچ گاه در مجلس ششم نطق پیش از دستور نداشتم و وقتی صدایم می‌کردند، می‌گفتم صحبت نمی‌کنم. یک عده‌ای می‌گفتند وقتت را به ما می‌دادی، به آن‌ها پاسخ می‌دادم وقتی خودم حرف حساب ندارم که بزنم شما که اصلا حرف حساب ندارید بزنید.

> **■ این که من چرا علاقه‌مند به حضور در شهرداری نیستم بحث امروز و دیروز نیست اساساً معتقدم باید آزاد بود. آزادی را با چیزی عوض نمی‌کنم؛ در حال حاضر هر جا دلم بخواهد می‌روم، هر مصاحبه‌ای که بخواهم انجام می‌دهم اما وقتی مسئولیتی را می‌پذیری در قیدوبند قرار می‌گیری**

■ چرا برای مجلس هفتم ثبت‌نام نکردید؟ علت آن چه بود؟

بعد از اتفاقات در مجلس ششم تصمیم گرفتم که در مجلس هفتم ثبت‌نام نکنم. آقای کروبی آن زمان از من پرسیدند شما ثبت‌نام نمی‌کنید؟ گفتم خیر، پرسیدند چرا؟ پاسخ دادم نظام در حال حاضر به دو بخش تقسیم شده است یک بخش اقتدارگرا و اهل قتل زنجیره‌ای از منظر شما و دوستان دوم خردادی‌تان و بخش دیگر هم ضد انقلاب، آمریکایی و فاسد از منظر طرف مقابل. حالا باید جزو کدام قرار می‌گرفتم؟ به آقای کروبی گفتم می‌خواهم بروم با مردم صحبت کنم به آن‌ها بگویم من جز کدام گروه هستم؟ من در آن مجلس نامه‌ای امضا نکردم، استعفا ندادم، تحصن نکردم اما چوب آقایان را خوردم؛ چه باید می‌کردم؟ باید می‌گفتم جزو اقتدارگرایان هستم که مردم رأی نمی‌دادند، باید می‌گفتم جز اصلاح طلبان و دوم خردادی‌ها هستم که باز جمع زیادی از متدینین را از دست می‌دادم.

■ گفتید که ریزش رأی داشتید و آیا به دلیل حواشی مجلس ششم بود؟

بله تاثیر داشت تا جایی که سال سوم مجلس ششم هنگامی که به خدمت آیت‌الله حقیقی که امام جماعت مسجد جامع کرمان بودند رسیدم ایشان من و هیات همراه را نپذیرفتند، گفتند بروید بیرون. من نمی‌خواهم با شما ملاقاتی داشته باشم، جای بسیار تعجب داشت. آن روز ما باز گشتیم و دلیل این رفتار را نیز نفهمیدیم، با آقای دعایی مسئله را در میان گذاشتم، قرار شد ایشان به کرمان بیایند و با آیت‌الله حقیقی صحبت کنید، جالب بود که ابتدا آقای دعایی را هم نپذیرفتند! آقای دعایی به خانه آیت‌الله حقیقی رفتند، در همان بدو ورود از ایشان پرسیدند جریان چیست؟ آقای حقیقی گفتند شما هادر مجلس ششم جمع شده‌اید علیه اسلام؟ ببینید افرادی که در مجلس مورد تائید آیات عظام بودند به خاطر بچه بازی برخی از دوستان حمایت‌ها را از دست دادند!

■ چه زمانی به سازمان میراث فرهنگی رفتید؟

ده روز مانده به اتمام مجلس ششم استعفای خودم را نوشتم برای حضور در سازمان میراث فرهنگی در این سازمان نیز ۱۴ ماه در خدمت دوستان بودم. اما در سال ۸۴ ما زمین گیر شدیم آن هم به علت ندانم کاری سیاسی برخی از دوستان، آن زمان ما ۱۷ میلیون رای داشتیم که تجزیه شد. چهار سال اول گذشت و در سال ۸۸ هم اتفاقاتی افتاد که شاهدش بودیم خود من هم یک سال به ماموریت اوین رفتم.

■ گفته می‌شود شما سمت شهرداری تهران را نخواهید پذیرفت، علت آن چیست؟

این که من چرا علاقه‌مند به حضور در شهرداری نیستم بحث امروز و دیروز نیست اساساً معتقدم باید آزاد بود. آزادی را با چیزی عوض نمی‌کنم؛ در حال حاضر هر جا دلم بخواهد می‌روم، هر مصاحبه‌ای که بخواهم انجام می‌دهم اما وقتی مسئولیتی را می‌پذیری در قیدوبند قرار می‌گیری. من آزادی خودم را نمی‌خواهم از دست بدهم. من یک "جو" علاقه به حضور در سیستم ندارم؛ من علاقه به خدمت دارم. تجربه کرده‌ام که آدم بدون داشتن مسئولیت‌های رسمی می‌تواند به جامعه خدمت کند.

■ برخی‌ها معتقدند شهرداری تهران کار سخت و دشواری دارد این نهاد هزار و یک مشکل دارد، آیا دلیل نپذیرفتن شما همین سختی‌هاست؟

کار شهرداری بسیار سخت است اما فشارها و تحمیل‌ها عامل نپذیرفتن من نیست، اگر بنا باشد من شهردار شوم اصلاً این مسائل برای من دغدغه نیست، حتی مشکلم بدهی‌های شهرداری نیست؛ مشکل من نهادها نیستند من خودم قصد ورود به سیستم رسمی را ندارم.

■ در چه صورتی شهردار تهران می‌شوید؟

دوستان به من لطف دارند و من را هم به عنوان گزینه شهرداری پیشنهاد دادند اما من به علت نداشتن تخصص در این زمینه پیشنهادشان را رد کردم اما اعلام کرده‌ام اگر بن بستی حاصل شد و شخصی این مسئولیت را نپذیرفت که بعید می‌دانم این اتفاق بیافتد شاید شهرداری را بپذیرم. البته گزینه برتر از نظر من محسن هاشمی است اما با توجه مصوبه آخر شورای پنجم مبنی بر عدم خروج عضوی از شورا شهردار شدن او منتفی است. با این حال میثاق نامه ای که لیست امید امضا کرده‌اند مانعی در راستای شهردار شدن هاشمی نبود. پس از او نیز گزینه برتر برای شهردار از نظر من محمد علی نجفی است. در هر حال تمام تلاش خود را به کار بسته‌ام که اگر سازمان برنامه و بودجه به آقای نجفی پیشنهاد نشد سمت شهرداری را بپذیرد.

■ عده‌ای مطرح می‌کنند چون شخص مرعشی مخالفان زیادی دارد شهرداری را نمی‌پذیرد، تا چه حد این درست است؟

به نظر من مخالف تندرو نعمتی است. هیچ چیز بهتر از وجود یک مخالف تندرو و نقاد نیست. تجربه شخصی به من حکم می‌کند برای مدیران، مخالف مهم نیست این خود مدیر است که نشان می‌دهد چه توانایی دارد و تیم همراه چقدر ثابت قدم هستند. نمی‌توانم و نمی‌گذارند هر دو، دو روی یک سکه هستند که من قائل به آن نیستم. مخالفین، مخالفند و ایرادی ندارند آنها تند هستند و شعار می‌دهند چه اشکالی دارد. هستند و نمی‌توانیم بگوییم که چرا وجود دارند.

■ آیا اقداماتی برای انتخاب شهردار در شورای عالی سیاست گذاری شده است؟

در حال حاضر دوستان ما برای انتخاب شهردار گرد هم نیامدند و در روزهای آینده راجع به این موضوع صحبت خواهند کرد. اما باید بگویم برخی از رفتارها دوستان ما را دلسرد می‌کند. گفته شده است که اعضای شورا باید معاونین شهردار را معرفی کنند اگر شهرداری که قرار باشد معاونش را با شورا هماهنگ کند به درد کار نمی‌خورد دیگر شهردار مستقل نیست. کسی که چنین کاری را انجام می‌دهد در واقع به دنبال کاسبی است و به دنبال این است که از نمد شهرداری برای خودش کلاهی درست کند.

■ به نظر شما شهردار تهران باید چه ویژگی داشته باشد؟

ابتدا باید این نکته یادآوری کنم جایگاه شهرداری متفاوت است ،زمانی شخص به آن شان و منزلت می‌بخشد مثل انتخاب محسن هاشمی و یک وقتی هم شهرداری به شخص اعتبار می‌دهد به فرض مثال مانند انتخاب حسین مرعشی. شورا باید شهردار لایق را انتخاب کند و باید پشتیبان شهردار باشد نه اینکه بخواهد در کار او دخالت کند. برای انتخاب مدیران شهرداری هم باید ببینیم بهترین آدم کیست؟ حتی اگر از جناح اصولگرایان باشد مشروط بر اینکه سلامت لازم را داشته باشد. شهردار آینده تهران باید عملکرد قابل دفاع داشته باشد و همین طور آبرومندانه رفتار کند. رسانه‌ها می‌توانند نقش نظارتی در این مورد ایفا کنند و حقیقت ماجرا را همانگونه که وجود دارد به افکار عمومی انتقال دهند.

■ گزینه آقای عارف مطرح شد، آیا می‌توان این گمانه زنی را جدی گرفت؟

از ابتدا هم شهرداری آقای عارف مطرح نبود و مشاهده کردید که خودشان هم تکذیب کردند او علاقه مند است که شهردار به او نزدیک باشد اما قطعا خودش ورود نخواهد کرد. باید یادآوری کنم، مسئولیت‌ها در جمهوری اسلامی حکم مرده شوری را دارد که اگر کسی پیدا نشود واجب شرعی است که مرده شسته شود. ما جبهه‌ای پیروز شدیم و نگاه‌مان باید حتما ملی باشد که اگر به مسائل حداقل ملی نبود لااقل جبهه‌ای باشد. نباید حزبی برخورد کنیم.

آگهی ابلاغ مفادرای صادره از طرف هیئت موضوع قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی املاک وساختمان های فاقدسند رسمی مصوب سال ۱۳۹۰/۹/۲۰

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۱۷۸۲ مورخه ۹۶/۰۲/۲۴ صادره از هیات رسیدگی به اسناد عادی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی، املاک وساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ تصرفات مالکانه آقای رستم سبزی مه جشتی فرزند حیدر در عرصه شش دانگ یک قطعه زمین بابنای احداثی درآن بسماحت ۱۰۱ متر مربع مفروز از پلاک ۳فرعی از ۱۲۹-اصلی محرز گردیده وبرابر محتویات پرونده ثبتی ودفتر املاک مربوطه سند مالکیت ۹۹۹۱/۵۰ متر مربع مشاع از عرصه ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۶۵۹۱/۵۰ مترمربع به پلاک فوق الذکر ذیل شماره ۳۹۹۰۰ صفحه ۱۰۱ دفتر ۱۶۵ املاک به نام اسماعیل امینی فرزند حاجی محمد ابراهیم ثبت وصادر گردیده است. از طرفی باتوجه به این که تصرفات متقاضی از مالکیت اسماعیل امینی بوده که مشارالیه درهیات حضور نیافته، درنتیجه هیات مقرر نموده بااعمال ماده ۳ قانون مذکور ونیز ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن ۹۱/۴/۲۵ نسبت به صدور سند مالکیت بنام متصرف فوق الذکر اقدام شود لذا بدینوسیله به مفادرای صادره به مالک ونیز اشخاص ذینفع جهت اطلاع آگهی می گردد تاچانچه به مفادرای صادره اعتراض دارند اعتراض خود را ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک شهریار تسلیم ورسید دریافت دارند بدیهی است درصورت عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر، این اداره نسبت به صدور سند مالکیت برابر مقررات اقدام خواهد نمود ضمنا صدور سندمالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف ۲۵۷۱۶

سید مرتضی موسوی -رئیس ثبت اسناد واملاک شهریار

نوبت دوم: ۹۶/۰۴/۲۶

دادگستری کل استان گیلان

خواهان/شاکی: علی ایمن آبادی , دادخواستی به طرفیت خوانده/متهم کیوان تقی نژاد به خواسته مطالبه خسارت تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان شهرستان رشت نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۵ شورای حل اختلاف مجتمع قضایی شماره ۲ (شهیدبهشتی) رشت واقع در استان گیلان -شهرستان رشت -میدان انتظام - ابتدای بلوار شیون فومنی -مجتمع قضایی شماره ۲ (شهید بهشتی) شورای حل اختلاف شهرستان رشت کدپستی ۴۱۳۷۹۱۳۶۹۹ -تلفن: ۹-۳۳۴۶۱۵۰۸-۰۱۳ ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۳۲۴۶۰۰۳۸۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ و ساعت ۰۹:۰۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده/متهم و درخواست خواهان /شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده/متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر شعبه ۵ شورای حل اختلاف رشت - اعظم اسدی

استان گیلان - شهرستان رشت - میدان انتظام ابتدای بلوار شیون فومنی - مجتمع قضایی شماره ۲ (شهید بهشتی) شورای حل اختلاف شهرستان رشت کدپستی ۴۱۳۷۹۱۳۶۹۹ - تلفن : ۹-۳۳۴۶۱۵۰۸-۰۱۳

م الف ۲۴۷۶

ابلاغ وقت رسیدگی

مسئول محترم روابط عمومی دادگستری شهرستان بوشهر

احتراما در خصوص دعوی عباس صفائی به طرفیت ابوذر جوادیان فرزند علی بخواسته مطالبه وجه دادخواست خود را به شعبه دوم شورا تسلیم که به کلاسه ۹۶/۲۲۰ ثبت و برای تاریخ ۹۶/۵/۲۳ و ساعت ۶/۳۰ بعداز ظهر تعیین وقت گردیده و نظر به اینکه خوانده مجهول المکان می باشد لذا حسب درخواست خواهان و تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی تا خوانده خواندگان مذکور ضمن مراجعه به دفتر شعبه اول شورای حل اختلاف بوشهر نشانی خود را اعلام و اوراق مربوطه را دریافت دارد در غیر این صورت شورا غیابا رسیدگی و مبادرت به اتخاذ تصمیم می نماید . م الف ۷۸۶

مدیردفتر شعبه دوم شورای حل اختلاف بوشهر

دادنامه

به تاریخ : ۹۶/۳/۳۰ کلاسه پرونده ۹۶/۱۱۴ شماره دادنامه ۹۶/۱۹۴

مرجع رسیدگی: شعبه ۲شورای حل اختلاف بوشهر

خواهان: آقای عباس صفایی فرزند غلامعلی به آدرس: بوشهر- پشت گاراژ برازجانی قدیم با وکالت آقای عبدالحسین رضایی

خوانده: آقای محمد مهدی چکری زاده فرزند عبدالمحمد به آدرس: مجهول المکان

خواسته: مطالبه وجه ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت چک شماره ۲۲۱۵۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۰ و هزینه دادرسی و خسارات و حق الوکاله وکیل

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این حوزه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی و تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ بطرفین و توجها به نظریه مشورتی اعضاء شورا در وقت مقرر باتوجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.

(رای شورا): در خصوص دعوی خواهان بنام اقای عباس صفایی فرزند غلامعلی با وکالت اقای عبدالحسین رضایی بطرفیت خوانده بنام اقای محمد مهدی چکری زاده و فرزند عبدالمحمد به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به شماره ۲۲۱۵۳۸ به مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده بانک تجارت شعبه شهدا بوشهر جمعا به مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال تقدیمی از طرف خواهان که دلالت بر استقرار دین به میزان خواسته در عهده خوانده داشته و بقای اصول مستندات مذکور دربد مدعی نیز دلالت بر بقای دین و اشتغال ذمه خوانده موصوف و استحقاق خواهان در مطالبه وجه ان را دارد .لذا توجها به شرح دادخواست و مدارک و مستندات خواهان و نظر به اینکه خوانده دفاعی در قبال دعوی مطروحه معمول و ابراز نداشته و دلیلی بر برائت ذمه خود اقامه و ارائه نکرده است مع الوصف و با رعایت ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف و مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون تجارت و مستندا به مواد ۱۹۸و ۵۱۵و ۵۱۹و ۵۲۰ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ ادعای مطروحه را وارد و ثابت تشخیص وحکم بر محکومیت خوانده موصوف به پرداخت مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل خواسته و مبلغ ۷۲/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک مورد نظر تا زمان اجرای دادنامه فوق الاشاره با توجه به شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و از طریق اجرای احکام محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می دارد. رای صادره غیابی بوده و ظرف مدت بیست روزاز تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و پس از آن ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظرخواهی در محاکم عمومی دادگستری بوشهر می باشد. م الف ۷۸۵

سید هادی صداقت قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف بوشهر

اجرائیه

مشخصات محکوم له: نام:سید تقی نام خانواگی :علوی با وکالت علی اکبری

مشخصات محکوم علیه

نام :جواد نام خانوادگی:کلهر

نشانی محل اقامت:مجهول المکان

محکوم به: بموجب دادنامه شماره ۱۳۵۹/۹۵ مورخ ۹۵/۱۱/۲۳ دادگاه ملارد شعبه ۴ قطعیت حاصل کرده است.

محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۱۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به انضمام مبلغ ۲/۷۴۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۹۵/۱۰/۱۳) در حق محکوم له

شورای حل اختلاف ملارد-حوزه۴

م/الف:۴۰۸۵

حصر وراثت

اکبر برهانی مهید به شماره شناسنامه ۳۹۹۲۰۳۸۰۶۸ مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه پرونده ۳۶۰/۱/۹۶ از این شعبه در خواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد برهانی مهید به شماره شناسنامه ۳۵۵۲ در تاریخ ۹۶/۴/۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-امیرحسین برهانی مهید-ش ش ۴۹۰۰۹۶۵۶۸۵-تاریخ تولد ۸۰/۷/۸-صادره از شهریار-فرزند متوفی

۲-عسل برهانی مهید-ش ش ۴۹۰۱۷۵۹۰۸۶-تاریخ تولد ۸۶/۱۰/۱۱-صادره از شهریار-فرزند متوفی

۳-کوکب روحی جبه دار-ش ش ۱۱۴۵۲۷-تاریخ تولد ۵۶/۱۲/۱-صادره از اردبیل-همسر متوفی

۴-صغری شایانی محبوب-ش ش ۳۹۹۰۰۱۹۶۳۵-تاریخ تولد ۲۴/۶/۹-صادره از رزن-مادر متوفی

۵-اکبر برهانی مهید-ش ش ۳۹۹۲۰۳۸۰۶۸-تاریخ تولد ۲۷/۱۱/۵-صادره از رزن-پدر متوفی

و مرحوم ورثه دیگری ندارد اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را باستناد ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این شعبه تقدیم دارد والا گواهی مربوط صادر خواهد شد.

شورای حل اختلاف ملارد-حوزه ۱

م/الف:۴۰۸۶

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۴۰۷۸۰۰۰۱ شعبه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی اردبیل تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۴۰۷۸۰۰۰۲۰-خواهان: ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل با نمایندگی آقای بهزاد بخشنده فرزند فیروز به نشانی اردبیل-شهرک سبلان فاز ۱ خ خیرین-خ گلستان پلاک ۲۴۲ ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل- خواسته: ضبط اموال- رای دادگاه: در خصوص درخواست ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل مبنی بر ضبط مقدار ۲/۵ شعیر مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۸۰۷ اصلی واقع در بخش یک اردبیل، با عنایت به دادخواست تقدیمی خواهان، نامه شماره ۶۶۹۵۷-۹۲/۱۰/۲۲ اداره ثبت اسناد و املاک اردبیل، بر اینکه مقدار ۸۳ شعیر و پنج خردل و ۱۰ فلس مشاع از شش دانگ یک باب دکان به شرح صفحه ۵۰۶ دفتر ۱۰۱ ذیل ثبت ۲۰۵۳۱ بنام آقای محمد صادق کوثری مقدم می باشد و نامبرده مقدار ۱۰ شعیر مشاع از ۹۶ شعیر شش دانگ مالکیت دارد و سند ثبتی صادر شده است. و بقیه ملک بنام کسی سند صادر نشده است، تقاضای آقای محمد صادق کوثری مقدم برای رسیدگی به مازاد سند مالکیت خودش که مجهول المالک می باشد و تقاضای تعیین تکلیف آن را نموده است. نشر آگهی در روزنامه تجارت و اینکه تا کنون کسی ادعای مالکیت نسبت به مورد خواسته نداشته است. لذا دادگاه خواسته خواهان را وارد تشخیص به استناد فرامین ولایی حضرت امام(ره) مورخه ۶۸/۲/۶ و مقام معظم رهبری ۶۸/۶/۱۶ و همچنین ماده ۱۱ اساسنامه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام ومواد ۲۳و۲۸ قانون مدنی حکم به ضبط مقدار ۲/۵ شعیر مشاع از ملک مورد خواسته در دادخواست (مازاد بر سند صادره ثبتی بنام محمد صادق کوثری مقدم) به نفع ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل صادر می نماید رای غیابی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس ظرف ۲۰ روز قابل اعترض در محاکم محترم تجدید نظر استان اردبیل می باشد.

حسن زاده- رییس دادگاه ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی و دادرسی علی البدل دادگاه عمومی حقوقی اردبیل

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۴۰۷۸۰۰۰۴۳ شعبه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی اردبیل تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۴۰۷۸۰۰۰۲۳-خواهان: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل با نمایندگی آقای بهزاد بخشنده به نشانی اردبیل-شهرک سبلان فاز یک خیابان خیرین پلاک ۲۴۲ ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل-خواسته: ضبط ملک -رای دادگاه: در خصوص درخواست ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) استان اردبیل مبنی بر ضبط یک قطعه زمین واقع در شهرستان خلخال بخش ۷ به مساحت ۳۷۵۹ متر مربع، با عنایت به محتویات پرونده، نامه شماره ۴۱۴۷ / ۴۶-۹۲/۱۱/۱۰ اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان خلخال که ملک مورد خواسته را خارج از اراضی ملی اعلام کرده، تحقیقات محلی ضابطین محترم، که مجاورین ملک از متصرف و صاحب ملک اظهار بی اطلاعی نمودند و زمین پر از نخاله های ساختمانی می باشد، نظریه کارشناس رسمی دادگستری که بیان کرده به دلیل اینکه ملک موصوف بلا استفاده باقی مانده، مجهول المالک می باشد و همچنین کارشناس محترم نوع ملک را در نظریه تکمیلی خود بایر اعلام کرده، معینه محل که در تاریخ ۹۶/۴/۱۳ در بازدید از ملک مورد خواسته بعمل آمده که ملک سنگلاخ و دارای علف های هرز کوهی و بصورت لم یزرع و غیر قابل کشت بوده و به لحاظ اینکه در داخل محدوده و زیر کمربندی شهری قرار گرفته در حال حاضر محل تجمیع نخاله های ساختمانی می باشد و قابلیت چرا هم ندارد و در مجاورت آن ساختمانهای منتهی به شهر مشاهده می شد. حتی اطراف زمین نشان می دهد که از ابتدای خلقت نمی تواند به عنوان زمین زراعی مورد بهره برداری قرار گیرد که عکسهای رنگی در پرونده موجود می باشد لذا دادگاه خواسته خواهان را وارد تشخیص به استناد فرامین حکومتی امام (ره) مورخه